
بازخوانیِ روایتِ نمایشیِ یک افسانه جادویی: سلطانِ مار اثر بهرام بیضایی

■ مریم نعمت طاوسی

تاریخ دریافت مقاله ۹۳/۱۰/۲۷ | تاریخ پذیرش نهایی ۹۳/۱۲/۲۰

بازخوانیِ روایتِ نمایشیِ یک افسانه جادویی: سلطان مار اثر بهرام بیضایی

مریم نعمت طاوسی | استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

چکیده

بسیارند نمایشنامه‌نویسانی که با برداشت از یک اسطوره، افسانه یا داستانی تاریخی نمایشنامه نگاشته‌اند. به‌دشواری بتوان برای پیمودن سیر نمایشی‌سازی (دراماتیزه کردن) قصه‌ای از پیش گفته‌شده به صورت بندی‌ای فراگیر دست یافت، اما می‌توان با دنبال کردن تحولات عناصر مشخصی در قصه و طرح داستانی نمایشنامه، یک نمونه از نمایشی‌سازی قصه‌ای از پیش گفته شده را ثبت کرد. مطالعه موردی این پژوهش برمبنای چنین رویکردی، واکاوی نمایشنامه **سلطان مار** اثر بهرام بیضایی است. این نمایشنامه با اقتباس از یک افسانه جادویی با عنوان "میرزا مست و خمار و بی‌بی نگار" نگاشته شده است. بدین‌منظور نخست طرح داستانی نمایشنامه واکاوی شد و نتیجه به‌دست‌آمده نشان از آن دارد که نمایشنامه‌نویس در نقشه‌چینی رویدادهای طرح داستانی به پی‌رفت رویدادهای افسانه جادویی برگزیده شده، وفادار مانده است؛ اما سه طرح فرعی به طرح داستانی اصلی افزوده است. این سه طرح چنان طراحی شده‌اند که اندیشه فراگیر افسانه در نسخه نمایشی رنگ باخته است. از سوی دیگر نمایشنامه‌نویس با گنجاندن این سه طرح فرعی توانسته است که شخصیت‌هایی پرشماری را معرفی کرده و در تناسب با درونمایه موردنظر خود بپروراند. سپس با جادوزدایی از رویدادها و اشخاص، از دنیای خیال‌انگیز و شگفت افسانه دور شده و درونمایه نمایشنامه را به مسایل و امور جهان واقعی نزدیک کرده است. چنان‌که در نهایت در نمایشنامه بن‌مایه‌ای سیاسی-اجتماعی، جایگزین بازگفت رمزین آیین گذر در افسانه شده است.

واژگان کلیدی: افسانه جادویی، بهرام بیضایی، سلطان مار (نمایشنامه)، نمایشی‌سازی، طرح داستانی.